

۱۲۸۰۱۸۳
۱۴۰۱/۱۳/۹

شماره نشر: ۱۹۵

متخصّص

رمانی براساس زندگی و خاطرات گودرز خسروی دارانی

خنثی سلازیم

ابوالقاسم وردیانی

۱۴۰۱

سرنشانه	و: ردیانی، ابوالقاسم، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: متخصص: زمانی بر اساس زندگی و خاطرات گودرز خسروی دارانی، خنثی ساز بمب؛ نویسنده ابوالقاسم وردیانی.
مشخصات نشر	: تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نشر آجا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص.: مصوره: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
فروخته:	: نشر آجا: ۱۹۵.
شابک	: ۶۸-۵-۶۳۹۷-۹۶۴-۹۷۸: ۸۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: زمانی بر اساس زندگی و خاطرات گودرز خسروی دارانی، خنثی ساز بمب
موضوع	: خسروی دارانی، گودرز، ۱۳۳۶ -
موضوع	: داستان های فارسی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نشر آجا
ردیابی کنگره	: ۱۳۹۳ م ۴۶۲ ر / PIR ۸۳۶۳
ردیابی دیوبی	: ۸۵۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۷۹۷۹۲



متخصص (زمانی بر اساس زندگی و خاطرات گودرز خسروی دارانی، خنثی ساز بمب)

- نویسنده: ابوالقاسم وردیانی
- محقق: عقیل زرگر
- صفحه آرای: حمید وطن خواه
- طرح جلد: حسین سپهری
- نوبت چاپ: دوم
- سال چاپ: ۱۴۰۱
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- بها: ۷۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۹۷-۶۸-۵
- ناشر: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

نشانی: تهران، صندوق پستی ۲۳۷۶-۱۶۷۶۵، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران

معاونت فرهنگی و روابط عمومی (اداره فرهنگی و انتشارات) وبگاه: www.aja.ir

تلفن: ۸۱۹۵۹۳۸۱ و ۸۸۴۷۵۵۰۳ نشانی الکترونیکی: ajapub@yahoo.com

مرکز توزیع محصولات فرهنگی ارتش: ۲۲۹۳۹۱۲۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	سخن آغازین
۹.....	مقدمه نویسنده
۱۳.....	فصل اول
۱۷.....	فصل دوم
۲۵.....	فصل سوم
۴۱.....	فصل چهارم
۴۷.....	فصل پنجم
۵۳.....	فصل ششم
۶۳.....	فصل هفتم
۶۷.....	فصل هشتم
۸۵.....	فصل نهم
۱۱۵.....	فصل دهم

فصل یازدهم..... ۱۲۹

فصل دوازدهم..... ۱۵۱

فصل سیزدهم..... ۱۵۹

فصل چهاردهم..... ۱۸۹

فصل پانزدهم..... ۲۰۱

فصل شانزدهم..... ۲۱۹

فصل هفدهم..... ۲۲۳

فصل هجدهم..... ۲۳۷

به روایت تصویر..... ۲۴۵

سخن آغازین

رسالت انتقال وقایع تاریخ معاصر کشورمان به طور عام و تاریخ دفاع مقدس به طور خاص به سسل های آینده، رسالتی عظیم و خطیر است که باید به بهترین شکل ممکن به انجام برسد. آنچه در این میان کار را دشوارتر می کند، تعدد مخاطبان و به تبع آن وجود سلیقه ها و نگاه های متفاوت به این موضوع است. هر چند نوشتن تاریخ دفاع مقدس کاری بزرگ است، اما چگونه نوشتن و نحوه انتقال مطالب به مخاطب نیز کمتر از آن نیست. برای محققانی که به دنبال ناگفته های جنگ هستند، مراجعه به کتاب های تاریخ جنگ، مستندات، خاطرات و امثال اینها که توسط انتشارات آجا به چاپ رسیده، مفید و راهگشاست، اما بخش عمده رسالت فرهنگی ما، گسترش ارزش ها و فرهنگ دفاع مقدس در سطح جامعه و در میان تمام طبقات مردم و آشنایی همگان از زن و مرد و پیر و جوان با این مقوله است. اینجاست که باید از زبان دیگری سود جست و برای این منظور از آن استفاده کرد. گاهی واقعاً نمی شود به کمک زبان و نشانه های زبانی، واقعیتی، رویدادی و یا تجربه ای انسانی را بیان کرد و به قول یکی از

اندیشمندان: «ما هرگز نمی‌توانیم واژگانی را بیابیم که چیزی را به‌طور قطع و یقین بیان کنند.» دلیل هم این است که واژگان اموری قراردادی هستند و به صورت نسبی به واقعیات اشاره می‌کنند و قادر به انتقال کامل مفاهیم نیستند. اما هنر به دلیل بازگشتش به احساسات انسانی و تکیه بر شهود و مکاشفه، کارایی بسیاری در انتقال تجربه‌های درونی و باطنی زندگی انسان دارد و خبر از رازهایی می‌دهد که قفل آنها با هیچ کلید دیگری گشودنی نیست. بنا به همین دلایل، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نشر کتاب‌های متعدد در زمینه تاریخ شفاهی جنگ و مستندات آن، به استفاده از ابزار بی‌بدیل هنر در انجام رسالت خویش اقدام کرده و با برنامه‌ریزی دقیق و شناسایی چهره‌های تأثیرگذار ارتشی در دفاع مقدس، زندگی‌نامه و خاطرات این دلاورمردان را در قالب رمان و داستان به بیان هنری واقعیت‌های دفاع مقدس است، به زیور طبع آراسته و به خواست خدا این روند همچنان ادامه دارد. رمان «متخصص» که داستان زندگی و دلاورمردی‌های یکی از کارکنان غیور ارتش جمهوری اسلامی ایران است نیز با همین نیت نوشته شده و به چاپ رسیده است. امید است که این بضاعت ناچیز مقبول خاطر خوانندگان عزیز قرار بگیرد. بی‌گمان نظرها، انتقادات و پیشنهادهای شما بزرگواران ما را در ادامه این مسیر خطیر بسیار یاری خواهد کرد.

اداره فرهنگی و انتشارات

سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران

مقدمه نویسنده

از بزرگراه شهید صیاد شیرازی به سمت بزرگراه شهید همت می‌پیچم و بعد از طی مسافتی طولانی، وارد بزرگراه شهید ستاری می‌شوم. در طول مسیر با خود می‌اندیشم که اسامی این بزرگراه‌ها، خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها، پل‌ها و... نام بزرگمردانی است که هر کدام از آنها ماجراهایی را در روزهای انقلاب و بعد از آن در هشت سال دفاع مقدس، رقم زده‌اند که تا تاریخ باقی است، نام ایشان هم ماندگار است. با خود می‌گویم، بودند و هستند کسانی که در تاریخ معاصر کشور عزیزمان ماجرا آفرین بوده‌اند و اکنون در گمنامی به سر برده و می‌برند و به زودی زمانی فرا می‌رسد که دیگر هیچ یادگار زنده‌ای از آن دوران باقی نخواهد بود. نمی‌دانم چرا همیشه عده‌ای خواسته یا ناخواسته، از قلم تاریخ می‌افتند و نامشان در جایی ثبت نمی‌شود. آیا کافی است برای بزرگداشت جانفشانی‌های بی‌نظیر این دلیران بی‌بدیل که نامی از آنها در جایی برده نشده، برای مثال میدانی را به نام «ارتش»

بنامیم؟ و از سویی آیا مقدور است که تمام این «گمنامانِ نامی» را پیدا کرده و مکانی را به نام آنها مزین کنیم؟ من پاسخی برای این دو سؤال ندارم، اما می‌شود به گونه‌ای دیگر نام اینان را زنده نگاه داشت. شاید تاریخ نتواند و گنجایی آن را نداشته باشد تا نام این بزرگان را آن‌طور که شایسته مقام رفیع آنان است، در خود ثبت کند، اما می‌توان برای زنده نگاه داشتن یاد آنان، دست به دامن هنر و به‌ویژه ادبیات شد. می‌توان نام اینان را در لابه‌لای اشعار و سطر سطر داستان‌هایی که بر پایه واقعیت زندگی این مردان مرد، سروده و نوشته شده است، جاودان ساخت و آن را به نسل‌های آینده تقدیم کرد، نسل‌هایی که تنها راه آشنایی‌شان با دوران انقلاب و دفاع مقدس، اسناد به‌جامانده و آثاری است که بر پایه این دو موضوع خلق شده است.

از سویی دیگر یکی از مواردی که کمتر از آن گفته شده، حضور شخصیت‌هایی است که نقش اساسی در مراحل مختلف زندگی این قهرمانان ملی دارند و در بسیاری از شرایط بحرانی، تصمیم‌ساز و حتی گاهی هدایت‌کننده آنان هستند. پدر، مادر، همسر و فرزندان آنان، در تمامی افتخارات کسب شده سهیم هستند؛ چرا که در تمام لحظات، شریک درد و رنج و مسائل و مصائبشان بوده‌اند؛ کسانی که بار فراق شهیدانشان را بر دوش می‌کشند و یا عمری است مرهم زخم‌های ریز و درشت عزیزانشان هستند.

همین انگیزه بود که اداره تبلیغات و انتشارات معاونت فرهنگی و

روابط عمومی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش را بر آن داشت تا این دلاورمردان ارتشی را شناسایی کند تا پس از انجام تحقیقات و مصاحبه و گردآوری اطلاعات اولیه، داستان زندگی آنان به رشته تحریر درآید. این داستان، پیرامون زندگی یکی از ارتشیان دلاور، یعنی سرهنگ نیروی هوایی ارتش، گودرز خسروی دارانی نوشته شده است. کسی که سال‌ها با دغدغه‌ها، دلهره‌ها و مرگ دست‌وپنجه نرم کرد و پس از نائل شدن به افتخار جانبازی، مدت‌های مدید بار زخم‌های ظاهری و باطنی جنگ را بدون کوچک‌ترین شکوه و شکایتی با عشق و صبر به‌دوش کشید تا جان به جان‌افزین تسلیم کرد. باید گفت شخصیت اصلی این داستان، نماینده یک گروه بزرگ از کسانی است که بدون اینکه دغدغه نام و ننگ داشته باشند، بی‌ریا و خالص، به نقش حیاتی خود در آن دوران پی برده و تا پای جان در راه انجام وظیفه پای فشردید.

ذکر این نکته ضروری است که در مصاحبه‌های صورت گرفته با گودرز خسروی دارانی، شخصیت اصلی داستان، کمتر نامی از همکاران او و توصیف محیط به چشم می‌خورد، ناچار هر جا که لازم بوده، شخصیت‌ها و فضاهای خیالی برای پیشبرد روند ماجراها خلق شده و هرگونه تشابه اسمی و مکانی اتفاقی است.

بر خود لازم می‌دانم که از همکاری بزرگوارانه و صمیمانه خانواده محترم خسروی دارانی تشکر کنم. همین‌طور از جناب آقای عقیل زرگر که کار تحقیق و مصاحبه را انجام داده‌اند و از مسئولان محترم اداره

تبلیغات و انتشارات معاونت فرهنگی و روابط عمومی سازمان عقیدتی
سیاسی ارتش، که قبل از چاپ این اثر، آن را مطالعه کرده و نکات مهمی
را برای بهتر شدن این داستان یادآور شدند، سپاسگزارم.

ابوالقاسم وردیانی